

## قتل عام امپریالیستی در غزه ادامه دارد

تا این زمان عملیات اسرائیل " Cast Lead " حدوداً ۵۰۰ کشته به جای گذاشته است که خیلی از آنها غیر نظامی و ۲۰۰۰ نفر مجروح شده اند و حال نصف آنها وخیم می باشد . سلاخی کم سابقه ای که در نبردهای بی پایان خاور میانه وجود داشته است . عکس العمل درنده خویانه اسرائیل به پرتاب موشک های کاتیوشا و قسام به وسیله حماس بعد از ۱۸ ماه انزوای سیاسی و اقتصادی همه کس و همه چیز را از روی سنگدلی نابود کرد . موشک های برتاب شده مستمسکی شد تا عملیاتی را به اجرا بگذارد که قبلاً با جزییات کمی طرح و برنامه ریزی شده بود که با عزم راسخ و با استفاده از جدید ترین و بیجیده ترین اسلحه ها اجرا شد عملیات در ظاهر هیچ پیشنهاد مخصوصی را در بر ندارد اما در واقع اهدافی قدیمی و برخی اهداف جدید را نیز در بر دارد :

۱- یکی از اهداف حکومت اورشلیم اتمام بازی با حماس است . تا حدودی که سر سخت ترین رقیبش ، در میان ملی گرایان فلسطینی حذف نشود ( ساده ترین کواه این است که وانمود کند با ابو مازن مرجع صلاحیتدار قابل انعطاف فلسطینی ملی گرا صحبت کند ) با این عمل ظرفیت سوریه و ایران ضعیف می شود و آنها از اینکه دشمن سر سخت اسرائیل در سناریوی امپریالیستی خاور میانه می باشند نمی توانند نقششان را ادامه دهند .

۲- با این عملکرد نظامی و با بحران دیپلماتیک و سیاسی منتج از آن و تهیجی که سراسر دنیای عرب را در بر گرفته است ، اسرائیل مجبور است که گفتگوها را با سوریه بر روی استرداد بلندی های جولان پایان دهد . اینها مذاکراتی بودند که مدتی قبل پس از سالها از امتناع مطلق گفتگو آغاز شده بود . برای اسرائیل بلندی های جولان دو مقصود در بر دارد . که به طور سوق الجیشی اساس کنترل مرزهای سوریه و لبنان هستند و مزینهای اقتصادی از قبیل کنترل منابع آب و زمین آن به عنوان یک منبع تولید کشاورزی می باشد .

۳- در همان حال بحران غزه تلاشی است که حکومت اورشلیم به رییس جمهور منتخب اوباما این حقیقت را گوش زد می کند ( اگرچه او قبلاً اعلان کرده است ) که او در کنار ایالات متحده همپیمان تاریخی آنها است . این به ما خیلی چیزها درباره دولت جدید ایالات متحده آمریکا و ادامه نقش امپریالیستی در منطقه خیلی مهم خاور میانه می گوید و مقاصد اسرائیل در با فشاری و بازی بزرگ و نقش کلیدی استراتژیک در مقابل ایران و روسیه در مرکز آسیا برای کنترل و بهره برداری از ذخایر نفت و گاز می باشد .

۴- اروپا بخصوص فرانسه ، از این وضعیت بحرانی در مرحله اول با حضور مجدد دیپلماتیک و سپس اقتصادی در منطقه ای که سال ها قبل از آنجا رانده شده بود نفع می برد . جدا از اینکه راه حل مذاکره جیزی را تغییر نمی دهد ، با شتاب گرفتن بحران ویرانگر اقتصاد بین المللی این جنین رویدادها را می تواند تشدید کند . منطق درگیری مسلحانه و جنگ که در دستور جلسه جای دارد ، از لبنان تا سرزمین های اشغالی ، از کرجستان تا ججن از خاورمیانه تا قفقاز . شروطی که دارد نقش می بندد نه فقط انتقام گیری ملی گرا ها بین اسرائیل و فلسطین یا بین روسیه و کرجستان برای کنترل اوستیای جنوبی نیست بلکه روشن سازی و تعریف مجدد از روابط بین قدرت های بزرگ و کوچک امپریالیستی در مواجهه با بحران جهانی است .

در این اثناء جمعیت غیر نظامی فلسطینی و کارگران این بها را می بردازند . تا انجاییکه توده‌ها به منافع سرمایه داری و بنیاد کرایان مذهبی ان کردن می نهند و به استراتژی های امپریالیستهای بزرگ و کوچک تن می دهند ، هیچ دورنمای دیگری برای تغییر جز کوشش قربانی و سلاخی شدن را ندارند . این مانع اصلی برای تجدید مبارزه طبقاتی است . ای توده های عرب - امروز نوبت فلسطین است فردا هر کارگری در هر نقطه دیگر از منطقه که بدبختانه می تواند مرکز منافع امپریالیست باشد - در راه مبارزه طبقاتی گام بردارید یا اینکه رویدادهای وحشتناکی شبیه این سرنوشت از پیش تعیین شده با تلفاتی بیشتر دوباره و با بدتر شدن بحران جهانی تکرار می گردد . سرمایه‌داری در حال احتضار امروز بیش از همیشه فقط می تواند بحران تولید کند ، قربانی بیشتر برای کارگران ، رویش فقر ، گرسنگی و جنگ ، برای اینکه ضمانت کند که هنوز هم فردایی دارد .

قربانی شدن های دهشتناک کارگران به ما می آموزد که آینده کارگران عرب بستگی دارد به اینکه بجای پذیرش سیاست قربانی شدن و مبارزه بی وقفه بر علیه بورژوازی خودی که مبنی بر شکست انقلابی تمام جنگ ها برخیزد اگرچه لباس ایدلوزی که بر تن دارند سکولار یا محافظه کار مردمی یا بنیادگرا باشد اگرچه جنگ عادلانه یا اینکه جنگ غیر عادلانه باشد

ترجمه از : م . الوند